

## طبقه‌بندی سیستم‌های حزبی از نظر گونه‌شناسی<sup>(۱)</sup>

سیدشهاب‌الدین موسوی\*

### مقدمه

سیستم احزاب سیاسی در هر دوره‌ای و از کشور به کشور دیگر، از لحاظ چگونگی تشکیل، نحوه برخورد و ساختمان احزاب متفاوت است. متخصصین گونه‌شناسی احزاب سیاسی با توجه به خصوصیات ویژه سیستم احزاب (ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی، ایدئولوژیکی، قدرت رقابت و ...) سعی نموده‌اند تا آنها را به انواع مختلف تقسیم نمایند.

ابتدا یک درجه‌بندی گونه‌شناسی از سیستم احزاب سیاسی وجود دارد که همان طبقه‌بندی عددی آنهاست که سیستم احزاب را به یک حزبی، دوحزبی و چند حزبی تقسیم می‌کند و در اذهان عمومی نیز چنین تصویری از سیستم احزاب سیاسی وجود دارد. ولی افراد دیگری همچون سارتوری<sup>(۲)</sup> این نوع طبقه‌بندی احزاب سیاسی را از این جهت که قادر به تشخیص و جداسازی خصوصیات ویژه احزاب نمی‌باشد مورد انتقاد قرار داده‌اند، از جمله اینکه اینان سعی نموده‌اند بیش از عنایت به تعداد احزاب، احزاب سیاسی را با توجه به سایر ویژگی‌ها و خواص آنها طبقه‌بندی نمایند. در اینجا ابتدا به اشکال کلاسیک سیستم احزاب سیاسی و سپس به سایر روش‌های گونه‌بندی آنها می‌پردازیم.

### گونه‌شناسی عددی (کلاسیک) سیستم‌های حزبی

طبقه‌بندی کلاسیک سیستم‌های حزبی براساس تعداد احزاب از جمله یک، دو و چند

1. Typological classification of party systems .

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان.

2. Giovanni , sartori

حزبی است. دو ورژه<sup>(۱)</sup> در کتاب «احزاب سیاسی» از جهت ریشه‌ای و تاریخی احزاب سیاسی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که تعداد احزاب مربوط به عواملی چون قانون انتخابات، گرایش‌ها و نیروهای ایدئولوژیکی می‌باشد.

نامبرده مطالب خود را با بیان سیستم دو حزبی شروع می‌کند. به نظر وی عدم تناسب آشکاری بین دو حزب کوچک و دو حزب بزرگ وجود دارد. او معتقد است که سیستم دو حزبی در تمام صحنه‌ها نتیجه استثمار حزب منفرد می‌باشد که گرایش‌ها دوگانه‌ای را به وجود آورده است، لذا از نظر توضیح تاریخی سیستم وارد بحث می‌شود و از آغاز قرن ۱۹ شروع می‌کند. وی می‌گوید: از ابتدای قرن نوزدهم سه نوع سیستم دو حزبی به شرح زیر به موفقیت رسیده‌اند:

- ۱- حق انتخاب ابتدا باعث ایجاد سیستم دو حزبی بورژوازی (محافظه‌کار - لیبرال) شد.
  - ۲- در نیمه دوم قرن نوزدهم به نظر می‌رسید که توسعه سوسیالیسم تهدیدی برای سیستم دو حزبی باشد، اما در واقع این امر نوعی اشتقاق در لیبرالها بود که وجود عناصر اعتدالی آن موجب رشد گرایش جناح چپ و در مخالفت با آنان گردید.
  - ۳- توسعه سوسیالیسم این تعدیل عمومی سیستم دو حزبی را به خطر انداخت و اگر چه در پارلمان دو حزب بزرگ رقیب وجود داشت، در بین مردم سه حزب ابراز وجود می‌کردند (به علت تضیقات سیستم حق انتخاب). بنابراین با تولد احزاب سوسیالیست یک دوره کوتاه سیستم سه حزبی وجود داشته است. اما نهایتاً تنها تضاد بین حزب بورژوا و سوسیالیست باقی مانده و سپس دوگانگی بین محافظه‌کار - کارگر و یا محافظه‌کار - سوسیالیست.
- بنابراین به علت استثمار حزب منفرد در این کشورها سیستم دو حزبی پایدار مانده است. وی می‌گوید: «یک سیستم دو حزبی نمی‌تواند باقی بماند، اگر یکی از دو حزب در جستجوی ویران کردن نظم موجود باشد. حداقل این وضع نمی‌تواند دوام داشته باشد مگر اینکه آن حزب همیشه به عنوان جبهه مخالف باقی بماند».

در گونه‌بندی سیستم‌های حزبی دو ورژه همیشه بر تمایلات دوگانه به عنوان عامل ایجاد

1. Mourice , Duverger.

انواع سیستم حزبی تأکید می‌کند. به نظر او دوگانگی احزاب همیشه نمی‌تواند وجود داشته باشد ولی همیشه یک دوگانگی گرایش‌ات موجود می‌باشد. در قضیه سیستم دو حزبی ارتباطی بین سیستم و طبیعت اشیاء وجود دارد. به عبارت دیگر انتخاب سیاسی معمولاً انتخاب بین دو شق را به خود می‌گیرد. بنابراین براساس این نظریه عقیده یا گرایش مرکزی در سیاست وجود ندارد همانطور که او می‌گوید:

«ممکن است یک حزب مرکزی وجود داشته باشد اما یک گرایش مرکزی و یک دکترین مرکزی وجود نخواهد داشت» به نظر او مرکز ترکیبی از جناح چپ گروه راست و جناح راست گروه چپ می‌باشد و در سه طریق عمل می‌کند. دوره از هم جدایی، دوره سست زنی و دوره نابود سازی. بنابراین روبروئی مرکز همانا رسیدن به یک ترکیب آرزوهای در حال تضاد است. اما ترکیب تنها قدرت فکر است و مرکز نمی‌تواند به طور عینی وجود داشته باشد. وی در تمام زمینه‌های سیاسی این دوگانگی را می‌بیند و تمام برخوردهای تفرقه انگیز در تاریخ را به عنوان برخوردهای ناشی از دوگانگی تبیین می‌کند و معتقد است که نظریه دوگانگی سیاسی طبیعی بیشتر به عنوان یک اختلاف گسترده در نظریات جامعه‌شناختی تحت عنوان تضاد طبیعت رادیکال با طبیعت محافظه کار برشمرده می‌شود. لذا به نظر او وجود سیستم دو حزبی نیز به طبیعت دوگانه گرایش‌ات مربوط می‌شود.

عامل دیگری که دوروزه به عنوان عامل مناسب برای ایجاد و حفظ سیستم دو حزبی بر آن تأکید می‌کند فرمول اکثریت ساده یک دوره‌ای<sup>(۱)</sup> می‌باشد. زیرا این فرمول با امتیازی که به احزاب بزرگ به قیمت جریمه احزاب کوچک می‌دهد (نسبت آراء و کرسی‌های بیشتر رأی دو حزب بزرگ تا برای احزاب کوچک) سیستم دو حزبی را حمایت می‌کند.

در موضوع سیستم چند حزبی دوروزه به متغیرهای بی شماری که در ایجاد سیستم چند حزبی و ویژگی‌های مختلف آنها که از کشوری به کشوری قابل تصور است اشاره می‌کند. او نظریه‌ای عمومی در خلق سیستم چند حزبی ارائه می‌دهد. در این مورد نیز وی از دیدگاه توجه به دوگانگی تمایلات وارد بحث می‌شود و می‌گوید: در حقیقت تمایزات جامعه

1. Simple majority single- Ballot.

شناختی بین طبایع رادیکال و محافظه‌کار بایستی به وسیله یک تمایز دوم در حال مقابله که همانا طبایع افراطی و معتدل می‌باشد تکمیل شود، به این معنی که در هر حزبی دوجناح را می‌توان یافت. افراطیون و معتدلین و ایجاد سیستم چندحزبی وابسته به درجه مقابله بین این دو مین تمایزات می‌باشد. توضیح این که تا زمانی که اثرات این تمایز دوم در ایجاد و دسته‌بندی‌ها و رقابت‌ها در داخل احزابی که به وسیله تمایزات اولیه ایجاد شده‌اند محدود بماند سیستم دو حزبی طبیعی تغییر نیافته باقی می‌ماند. معذالک اگر عملکردها شدید شوند و مدت زیادی در روال معمول ادامه نیابند تمایل اساسی به دوگانگی خنثی خواهد شد و به سیستم چند حزبی عقب نشینی می‌کنند. به عنوان مثال شکاف بین رادیکالها و لیبرالها در سوئیس در سال ۱۸۴۸ که یک سیستم چهارحزبی ایجاد کرد و مثالهای دیگر در سیستم‌های حزبی اروپا بخصوص تا سال ۱۹۲۰ و شکافهای بین کمونیستها و سوسیالیست‌ها.

بنابراین به طور کلی او به مرکز به عنوان یک تمایل مرکزی اعتقاد ندارد بلکه به عنوان ترفیقی از دکتورینهای راست و چپ معتقد است. که ممکن است هر زمان از هم شکافته شود و این دو نیمه در مرکز به صورت تجمع معتدلین جناح راست و معتدلین جناح چپ خواهد بود عامل دیگری که ممکن است سیستم چندحزبی بر اثر آن به وجود آید نیمه‌نیمه روی هم افتادن است که ممکن است گسترده تر از شکاف بین احزاب به نظر آید به این معنی که عقاید دوگانه متعدد الزاماً با یکدیگر تطبیق نمی‌کنند و تجمع آنها سیستم چند حزبی را به وجود می‌آورد. به عنوان مثال در فرانسه دوگانگی عقیده بین طرفداران اداری و ضداداری با اشتقاق بین شرق و غرب و با آنچه بین آزادی و برنامه ریزی منضبط وجود دارد تطبیق نمی‌کند. در این زمینه او محدودیتهای تمایلات دوگانه را این طور توصیف می‌کند که: چندین آنتی تز در عرصه وجود دارد و هر کس می‌تواند با یکی از آنها جهت داده شود یا نقطه نظری را در یک عرصه بپذیرد در حالی که او هنوز آزاد است که نقطه نظر دیگری را در عرصه‌های دیگر نیز انتخاب کند اما تعداد احزاب از استقلال متقابل آنتی‌تزاها پدید می‌آید. در مسئله تعدد احزاب او چندین نوع سیستم تعدد حزبی را برحسب تعداد عددی احزاب تحت عنوان سه حزبی، چهارحزبی و چند حزبی مشخص می‌کند. در مسئله سه

حزبی دوورژه دو نوع سه حزبی را مشخص می‌کند. سه حزبی ۱۹۰۰ و همزمان با آن سه حزبی استرالیا. اولی در نتیجه رشد احزاب سوسیالیست در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به وجود آمده بود که در آن دوگانگی اساسی عقاید به سه حزبی در انگلستان، بلژیک، سوئد، استرالیا، نیوزیلند و غیره استحاله یافته بود، اما بعد از این دوره به علت تغییرات در احزاب انقلابی آنها معتدل شدند و سپس راست مخالف، سیستمی که دوورژه آن را به عنوان تولد همیشگی دوگانگی توصیف می‌کند (در کشورهای انگلو ساکسن) به وجود آمد این به این معنی است که بعد از تغییر در احزاب انقلابی آنها از چپ به راست تغییر مکان می‌دهند و شکاف در سمت چپ بایستی با ظهور یک حزب جناح چپ جدید پر شود. اما نوسان به چپ با گرایش اساسی دوگانگی ترکیب می‌شود و یک سیستم سه حزبی به وجود می‌آورد. بنابراین در این راه سیستم سه حزبی محافظه کاران، لیبرالها، رادیکالها به وسیله یک سیستم سه حزبی جدید محافظه کاران یا لیبرالها، رادیکالها، سوسیالیستها و سپس به وسیله سیستم سه حزبی لیبرالها، سوسیالیستها، کمونیستها دنبال خواهد شد. اما سیستم سه حزبی استرالیا پایه اجتماعی دارد که به صورت سه گانه کارگران، کشاورزان و حزب لیبرال - بورژوا به پایان رسیده است.

در این نوع از سیستم حزبی ممکن است اشتقاقی بین کارگران کشاورزی و مالکین کشاورزی و همچنین اشتقاق عمیق تری بین خرده مالکین و مزرعه داران بزرگ اتفاق افتد. و همچنین ممکن است مسائلی باعث جلوگیری از ایجاد احزاب روستایی شود به خاطر تمایلات آنها در جهت اتصال به سوسیالیستها (کارگران و مالکین کوچک) و یا احزاب جناح راست و محافظه کاران (مزرعه داران بزرگ). بنابراین رشد احزاب روستایی محدود شده است معذالک در بعضی کشورها توسعه آنها موجب یک سیستم چهارحزبی شده است بنابراین سیستم چهارحزبی نتیجه افزوده شدن یک حزب روستایی به سیستم حزبی محافظه کار، لیبرال و سوسیالیست ها می‌باشد که در اروپا از ۱۹۰۰ معمول بوده است. به عنوان مثال احزاب اسکاندیناوی، سوئیس و کانادا.

سومین نوع سیستم تعدد حزبی<sup>(۱)</sup> در طبقه‌بندی دو ورژه سیستم چند حزبی (احزاب متعدد)<sup>(۲)</sup> است. در این شکل از سیستم حزبی علاوه بر گروه‌های اجتماعی و سیاسی، گروه‌های نژادی و ارزشی به صحنه می‌آیند و گروه‌های سیاسی و اجتماعی را روکش می‌کنند و یک پیچیدگی افراطی به وجود می‌آورند (در اتریش - هنگری در آغاز سال ۱۹۱۴ بیست و پنج حزب یا در چکسلواکی در ۱۹۳۸ چهارده حزب وجود داشت).

همچنین چند حزبی ممکن است در نتیجه گرایش‌های جناح راست به سوی چند حزبی ایجاد شود. به عنوان مثال در فرانسه از آغاز قرن بیستم ائتلاف در چپ و تفرق در احزاب راست و یا اشتقاق مذهبی در هلند به راست و مرکز، در حالی که چپ در حمایت حزب سوسیالیست متحد باقی ماند.

حزب منفرد<sup>(۳)</sup> دو ورژه معتقد است که حزب منفرد نوآوری بزرگ قرن بیستم می‌باشد. او حزب مفرد را به عنوان حزب مسلط و دیکتاتور در کشور تلقی می‌کند (در قضیه آلمان، ایتالیا، اتحاد شوروی و جمهوری‌های خلق). به نظر او سیستم تک حزبی الزاماً حزب گروه حاکمه نیست. از نظر تاریخی اغلب احزاب منفرد در ابتدا احزاب مخالف بوده‌اند که در یک سیستم چند حزبی نقشی به عهده داشته‌اند. بعضی به عنوان مثال ایتالیایی و روسی به طور قطع به دنبال آن نبوده‌اند که روزی تنها حزب باشند. طبیعت توتالیتر آنان، خصوصیت محدود سازی آنان، ساختمان اقتدار گرایانه و تمرکز گرای آنان از یک سیستم دموکراتیک سرچشمه گرفته است و طبیعت توتالیتر حزب آن را به استثمار تمام احزاب دیگر هدایت می‌کند، اما تمایل به یگانگی بیش از آنکه یک علت باشد نتیجه طبیعت توتالیتر آن می‌باشد.

### دیگر طبقه‌بندی سیستم‌های حزبی (از نظر گونه‌شناسی)

بعضی از نویسندگان، گونه‌شناسی کلاسیک سیستم‌های حزبی را مورد انتقاد قرار داده‌اند مهمترین زمینه این نوع انتقاد آن است که: طبقه‌بندی پیشین نمی‌تواند تمام گونه‌های

1. Multi - partism

2. Polypartism

3. The single party

## طبقه‌بندی سیستم‌های حزبی از نظر گونه‌شناسی ❖ ۱۴۹

سیستم‌های حزبی را مشخص سازد. بخصوص اینکه به رفتار و ساختمان ظاهری احزاب بیش از قدرت ذاتی و رقابتی آنها توجه دارد و تعداد بسیاری از احزاب کوچک را در نظر نمی‌گیرد، در حالی که آنها ممکن است دارای قدرت‌های ذاتی از جمله قدرت ائتلاف یا اجبار باشند.

ابتدا طبقه‌بندی گونه‌شناسی سیستم‌های حزبی که توسط جیووانی سارتوری انجام شده است توضیح داده خواهد شد. نامبرده بین طبقه‌بندی و گونه‌بندی سیستم‌های حزبی تفاوت قائل می‌شود و بیشتر به خواص سیستم‌های حزبی توجه می‌کند تا به ساختمان آنها به عنوان مثال اظهار می‌دارد بین سالهای ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۰ سیستم حزبی اتریش سیستمی دو حزب بود در حالی که خواص عملکردی سیستم دوحزبی را آشکار نمی‌کرد بنابراین به نظر او سیستم حزبی سارتوری با سه سؤال به شرح ذیل وارد بحث می‌شود:

- ۱- چگونه به حساب آوریم.
  - ۲- چگونه آگاهانه به حساب آوریم.
  - ۳- چگونه ملاک ناکافی صرفاً عددی را تکمیل کنیم.
- این به این معنی است که وی سیستم‌های حزبی را با ملاکهای دیگری جدای از ملاک‌های کلاسیک گونه‌بندی می‌کند. بنابراین بر طبق این ملاکها (که بعداً توضیح داده خواهد شد) نامبرده یک رده‌بندی هفت طبقه را به جای رده‌بندی سه طبقه‌ای پیشین به شرح زیر پیشنهاد می‌کند:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- یک حزبی.
- ۲- حزب برتر.
- ۳- حزب تسلط.
- ۴- دوحزبی.
- ۵- چندحزبی معتدل.
- ۶- چند حزبی افراطی.
- ۷- سیستم اتمی.

در پاسخ به سئوالات مطرح شده فوق‌تر، معتقد است که در این مقولات به حساب آوردن احزاب ارتباطی به آراء و کرسی‌های به دست آمده توسط آنان ندارد، بلکه آنها را براساس قدرت ذاتی آنان در معامله ائتلافی می‌توان به حساب آورد، بنابراین براساس این معیارها یک حزب کوچک نیز بایستی به حساب آورده شود، مهم نیست که چقدر کوچک است بلکه به خاطر موقعیت او در طول زمان در تصمیم‌گیری بر روی اکثریت‌های ممکن حکومتی دارای اهمیت خواهد بود.

دومین قانون، محاسبه قدرت تهدید یا توانائی اجبار احزاب جبهه‌گیر مخالف است بنابراین اصل یک حزب زمانی به اندازه کافی بزرگ است و می‌تواند به حساب آید که قادر باشد بر تاکتیک‌های رقابت حزبی تأثیر بگذارد. بخصوص اینکه بتواند سیر رقابت یک یا چند حزب مصمم برای تصدی حکومت را تغییر دهد و بر عکس احزابی ممکن است به حساب نیایند که نه توانائی ائتلاف و نه توانائی اجبار را در اختیار داشته باشند.

دومین تأسیس سارتوری در طبقه‌بندی سیستم‌های حزبی آن است که تعداد احزاب به طور قابل ملاحظه‌ای به توزیع قدرت بین آنها مرتبط می‌باشد.

در قضیه حزب منفرد (گونه‌شناسی کلاسیک) او گونه‌شناسان کلاسیک (دورژه و آلموند) را مورد انتقاد قرار می‌دهد که موضوع حزب مسلط (در طبقه‌بندی پیشین) نمی‌تواند ترتیب بندی حزب برتر و حزب مسلط را از یکدیگر تفکیک نماید. به نظر او سیستم حزب مسلط سیستمی است که در آن سایر احزاب نه تنها اجازه موجودیت دارند، بلکه به عنوان رقبای قانونی حزب مسلط در صحنه حضور خواهند داشت. در آنجا احزاب مستقل کوچک به عنوان رقیب در برابر حزب مسلط با تساوی کامل وجود دارند و سیستم نوعی سیستم حزبی جمعی است اما در واقع چرخش اتفاق نمی‌افتد. بنابراین سیستمی است که در آن یک حزب مسلط، انتخابات را یکی بعد از دیگری می‌برد و اکثریت مطلق را در پارلمان به دست می‌آورد در حالی که هیچگونه مانع اساسی و هیچ محدودیت چشمگیری برای احزاب کوچک در رقابت با حزب مسلط وجود ندارد اما حقیقت این که این چنین حزبی در قدرت باقی می‌ماند و می‌تواند به عنوان صورت خاصی از سیستم دوحزبی تلقی شود که در آن



هیچ تناوبی در قدرت به صورت بالفعل برای مدت زمان نسبتاً طولانی ایجاد نمی‌شود به عنوان مثال قانونگذاران ایالتی در ایالات متحده آمریکا، ژاپن، هند و یا اروگوئه.

در مقایسه با حزب مسلط سیستم حزب برتر سیستمی است که در آن رقابت رسمی و رقابت بالفعل برای کسب قدرت وجود ندارد. احزاب دیگر تنها به عنوان احزاب ماهواره‌ای بدون هیچ‌گونه حق رقابتی با حزب برتر تحت عناوین مخالف‌آمیز و براساس تساوی تلقی خواهند شد. بنابراین نه چرخشی و نه حق رقابتی وجود نخواهد داشت و حزب برتر خواه ناخواه در قدرت باقی خواهد ماند. در واقع این سیستم یک سیستم چند حزبی نیست بلکه یک سیستم دوسطحی است که در آن یک حزب به طور اختیاری بخشی از قدرتش را برای تحت تابعیت در آوردن گروه‌های سیاسی اختصاص می‌دهد و هیچ اعتراض یا انحرافی از این گروه‌ها بر روی حزب برتر وجود ندارد. به عنوان مثال احزاب غیر کمونیست لهستان که ماهواره‌های حزب برتر بودند. آن طوری که سارتوری گونه‌بندی نموده است تک حزبی سیستمی است که در آن تنها یک حزب وجود دارد و سیستم سیاسی اجازه وجود به احزاب دیگر را نمی‌دهد و تمام انواع نمونه تک حزبی به خانواده‌ای با حالتی ویژه تعلق دارند که هر نوع اجتماع حزبی را چه به صورت قانونی یا بالفعل و تو می‌کند بنابراین کمابیش سرکوبگر، کمابیش ستمگر و کمابیش نامتحمّل است و مسئله‌ای به نام سرکوبگری شدید به معنای وسیع واژه را بروز می‌دهد.

سارتوری سه نوع تک حزبی به شرح زیر را مشخص می‌کند:



۱- تک حزبی خودکامه.

۲- تک حزبی اقتدارگرا.

۳- تک حزبی واقع‌گرایانه.

در قضیه سیستم دو حزبی نیز با توجه به معیارهای پیشین نامبرده بین سیستم دو حزبی «طبقه» و دو حزبی «نوع» تفاوت قائل می‌شود. اولی براساس شمارش تعداد احزاب است زمانی که حزب سومی مانع حکومت فردی<sup>(۱)</sup> احزاب بزرگ نمی‌شود. به عنوان مثال در

۱- منظور حکومت بدون ائتلاف است.

جائی که ائتلاف‌ها ضرورت ندارند. اما در زمینه خواص سیستم دو حزبی (نوع) ویژگی اصلی آن است که یک حزب به تنهایی حکومت می‌کند اما نه به طور دائم زیرا اگر او در دوره های انتخاباتی یکی بعد از دیگری برنده شود، سیستم بایستی دوباره به عنوان سیستم «حزب مسلط طبقه‌بندی شود، بنابراین تناوب قدرت از ویژگی‌های سیستم دو حزبی است.

### سیستم چندحزبی محدود و چندحزبی معتدل

در قضیه چند حزبی محدود و چند حزبی معتدل نیز سارتوری با تفکیک «نوع» و «طبقه» مطلب را آغاز می‌کند. به طور کلی در اولین مرحله وی سیستم احزاب را بر حسب تعداد احزاب مربوطه موجود در سیستم حزبی تحت عناوین: سیستم تک حزبی، سیستم دو حزبی، سیستم چند حزبی محدود و چند حزبی افراطی مشخص می‌کند و در قضیه «نوع» به تعداد قطبها (سیستم حزبی حول چند قطب گردش می‌کند)، قطب‌گرایی (قدرت فواصل ایثولوژیکی) و گرایش قطبها (گریز از مرکز و جذب به مرکز) اشاره می‌نماید. بنابراین او «سه نوع» سیستم حزبی را به شرح زیر پیشنهاد می‌کند:

الف) چند حزبی ساده.

ب) چند حزبی معتدل.

ج) چند حزبی افراطی.

طبق تعریف مذکور، وجه تمایز بین چندحزبی محدود و چند حزبی افراطی بر معیار عددی استوار است، در حالی که وجه تمایز بین چند حزبی معتدل و چند حزبی قطبی شده بر «انواع» دلالت دارد، یا به عبارت دیگر باید گفته شود چند حزبی افراطی و چند حزبی محدود بمعنی درجه کمتر یا بیشتر تجزیه حزبی است، در حالیکه اصطلاح سیستم چندحزبی معتدل و چند حزبی قطبی شده در مورد روش کار این سیستمها به کار می‌رود. در این قضایا تعداد احزاب الزاماً با توان مخالفت آنها مطابقت نمی‌کند. باید گفت ممکن است یک چند حزبی محدود با خواص غیرمعتدل موجود باشد و برعکس، زیرا سنجش عددی تجزیه را آشکار می‌کند، اما تجزیه حزبی الزاماً برابر با فاصله ایثولوژیکی یا معمول آن

نمی‌باشد.

زمانی که «طبقه» و «نوع» با هم تطبیق می‌کنند مسئله‌ای وجود ندارد، اما مسئله زمانی ایجاد می‌شود که اختلافی فاحش بین تعداد احزاب و طرز عمل آنها - که بر این اساس انتظار آن می‌رود - وجود داشته باشد، به عنوان مثال به نظر وی چند حزبی محدود دلالت بر سیستم‌های حزبی دارد که سه تا پنج حزب مربوطه را در بر می‌گیرد.

بر اساس این سیستم شمارش احزاب جمهوری فدرال آلمان و بلژیک سیستم‌های سه حزبی هستند، سوئد و دانمارک سیستم‌های چهار تا پنج حزبی می‌باشند، در حالی که نروژ و به خصوص هلند و سوئیس موارد بینابینی هستند. اما این بدان معنا نیست که آنها نمی‌توانند با توجه به خواصشان دارای چنین موقعیت‌هایی باشند. با توجه به «نوع» چند حزبی معتدل، وجه مشخصه بزرگ آنها حکومت ائتلافی است به این معنی که هیچ حزبی نمی‌تواند بدون اکثریت از پیش پایه‌ریزی شده به تنهایی حکومت کند. بنابراین فرمول سیستم چند حزبی معتدل حکومت متناوب نیست (خواص نوع دو حزبی) بلکه بیشتر ائتلاف متناوب است. از لحاظ دیگر، ساختمان چند حزبی معتدل به صورت دو قطبی باقی می‌ماند، یا به جای تنها دو حزب می‌توان اتحاد دو قطبی ائتلافی متناوب را مشاهده نمود و به علت این ائتلافی متناوب رقابتها به صورت مرکزگرا باقی می‌ماند، یا به جای تنها دو حزب می‌توان اتحاد دو قطبی ائتلافی متناوب را مشاهده نمود و به علت این ائتلافی متناوب رقابتها به صورت مرکزگرا باقی می‌ماند و چند حزبی معتدل مآلاً سیاستهای معتدل را نیز به وجود می‌آورد. چند حزبی افراطی و قطبی شده:

در موضوع چند حزبی افراطی و قطبی شده سارتوری نظریه گرایشات دوگانه و ایجاد این سیستمها به وسیله قطبی شدن فوق‌العاده از مدل دو حزبی را رد می‌کند (نظریه دوورژه). دومین اختلاف بین این نوع گونه‌بندی (نظریه سارتوری) و روش کلاسیک گونه‌شناسی شمارش احزاب توجه خاصی به معیار وابستگی، در نظر گرفتن «استفاده ائتلافی» و نیز قدرت تهدید احزاب می‌باشد. بنابراین به نظر وی سیستم‌های حزبی که شامل بیش از ۵ حزب مربوط می‌باشند به چند حزبی افراطی تعلق دارند و برای مشخص کردن چند حزبی

قطبی شده سارتوری شاخصهای کنترلی را پیشنهاد می‌کند (اشکال چندحزبی قطبی شده) که از این نظر بین نمونه‌های «طبقه» (حالت صوری) چندحزبی افراطی و نمونه‌های «نوع» (چندحزبی قطبی شده) تفاوت قائل می‌شود. به نظر وی نمونه‌های مشخص‌کننده «نوع» چندحزبی قطبی شده به شرح زیر هستند:

۱ - حضور احزاب ضد سیستم. این سیستم به وسیله یک مخالفت ضد سیستم مشخص می‌شود که نه حکومت، بلکه سیستم حکومت را تغییر خواهد داد. ضد سیستم با سیستم اعتقادی دیگری همراهی خواهد شد. بخصوص با نوعی سیستم اعتقادی که به هیچ وجه در ارزشهای نظام سیاسی که حزب در آن به وجود آمده است مشارکت نمی‌کند. بنابراین احزاب ضد سیستم، ایدئولوژی کاملاً متفاوتی عرضه می‌کنند و این همان دلیلی است که آنها جداگانه فاصله ایدئولوژیکی را نمایش می‌دهند. به عنوان مثال احزاب کمونیست غربی در ضمن ایفای نقش خود در داخل سیستم براساس بعضی از قواعد از این حقیقت نمی‌کاهند که هرگاه یک حزب کمونیست قدرت حکومت را به چنگ آورد دموکراسی قانونی هرگز باقی نخواهد ماند.

۲ - وجود سیستم تضاد دوسویه - براساس این ویژگی مخالفین نه تنها با حکومت، بلکه بیشتر با خودشان مخالفت می‌کنند و در حالیکه در سیستم تضاد یک طرفه احزاب تنها با حکومت مخالفت می‌کنند، در سیستم تضاد دوطرفه دو گروه مخالف بیشتر با حکومت موافقت می‌کنند تا با خودشان. ویژگی‌های مذکور قادرند که «نوع» را مشخص سازند بنابراین گونه‌بندی سارتوری، در جایی که بیش از ۵ حزب مربوط با ویژگی‌هایی همچون مخالفت ضد سیستم و ضد مخالف دو سویه سیستم تفاوت می‌کند و می‌تواند به عنوان «نوع» چند حزبی قطبی شده نامگذاری شود.

۳ - چند حزبی قطبی شده دارای بنیاد مرکزی است و حداقل یک برخورد مثلی در آن وجود دارد (سه ستون راست، مرکز و چپ). اما چند حزبی معتدل دارای مرکز نمی‌باشد و تنها در آن دو قطب مشاهده می‌شود (دوقطبی).

مرکز در چند حزبی قطبی شده موقعیت مرکزی است نه عقیده، ایدئولوژی یا دکتترین

مرکزی به این معنی که به خاطر تضاد دو طرفه، دوگروه مخالف رو در روی هم وجود دارند که توسط گروه احزاب مستقر در مرکز از یکدیگر جدا شده‌اند و آنگاه به وسیله یک حزب مرکزی (ایتالیا) و یا گروهی از احزاب مستقر در مرکز (فرانسه، ایمار) مشخص می‌شود. با فرض اینکه یک مرکز متحد یا مستقیم شده بین آنها اشتقاق ایجاد می‌کند، تمام موارد چند حزبی های افراطی به طور عموم دارای یک مشخصه اساسی می‌باشند: «مرکز توزان سیستم اشغال شده است». بنابراین در حالی که مکانیسم چند حزبی معتدل دقیقاً یک سیستم دو قطبی است (زیرا سیستم دارای بنیان مرکزی نمی‌باشد)، مکانیسم چند حزبی قطبی شده چند قطبی است و نمی‌تواند به وسیله مدل دوگانگی توصیف شود. موقعیت مرکزی نه تنها گرایش به مرکز را مایوس می‌سازد (به عنوان مثال تمایلات معتدل کننده را) بلکه برعکس این نوع سیستم، سیستم مرکز گذر یا گریز از مرکز می‌باشد و برحسب آن مشخصه باعث بروز سیاستهای عدم اعتدال یا افراطی می‌شود.

این بدان معنی است که برای یک حزب با موقعیت مرکزی نه تنها نتیجه ای مترتب می‌باشد، بلکه همچنین بیشتر یک عامل تعدد احزاب محسوب می‌گردد و لذا یک حزب مرکزی اساساً نتیجه تمایلات گریز از مرکزی است که بر سیستم غلبه دارد.

نتیجه اینکه نه تنها سارتوری نظریه دوروزه را در مورد فقدان عقیده یا دکترین مرکزی در سیاست رد می‌کند<sup>(۱)</sup>، با بیان دوروزه در مورد ایجاد سیستم چند حزبی (اشتقاق و نیمه نیمه روی هم افتادن) نیز مخالفت می‌نماید.

۴- با توجه به سه ویژگی اشاره شده در مورد چند حزبی قطبی شده چهارمین ویژگی بایستی به عنوان «حالت سیستم» تعریف شود که نتیجه فاصله ایدئولوژیکی توانمند آن می‌باشد. به این معنی که در تمام موارد طیف عقاید سیاسی به طور شاخصی قطبی شده است. قطبهای جانبی آن لفظاً دو قطب جدا هستند در حالی که فاصله بین آنها با حداکثر عقاید گسترده قابل تصور پوشیده شده است. بنابراین در این نوع سیستم حزبی اجماع خیلی پائین است. در

۱- سارتوری طی مقاله ای در مورد دوروزه می‌گوید: بیانیه دوروزه بایستی چنین تغییر یابد. یک عقیده یا یک تمایل مرکزی همیشه در سیاست وجود دارد، آنچه ممکن است وجود نداشته باشد یک حزب مرکزی است.

حالی که شکاف خیلی عمیق می‌باشد و قانونی بودن نظام سیاسی به طور وسیعی قابل پرسش به نظر می‌آید. در اینجا نقش مرکز جذب احزاب و ایجاد مرکزیت نیست. به عبارت دیگر مرکز نتیجه قطبی شدن نیست بلکه مسبب آن است. در حقیقت امر منطقه مرکزی اشغال شده است و سیستم را با تمایلات گریز از مرکز تغذیه می‌کند و رقابت برای جذب به مرکز را نوید می‌نماید.

۵- پنجمین شکل سیستم، گرایشات گریز از مرکز درورای جذابیت تمایل به مرکز است. تمایل سیستم در تضعیف مرکز و از دست رفتن مداوم آراء آن به نفع یکی یا هر دو انتهای افراطی سیستم می‌باشد، حتی اگر در یک لحظه این از دست دادن آراء مرکز متوقف شود هنوز کشش‌های گریز از مرکز به طور موفقیت آمیز نقش قطعی در داخل سیستم به عهده دارند. به عنوان مثال در سیستم حزبی ایتالیا که علیرغم رشد و ترقی هنوز بیش از رقابت در جذب به مرکز با ویژگی گریز از مرکز مشخص شده است.

۶- ششمین چهر سیستم چند حزبی قطبی شده نمونه خاص ایدئولوژیکی سیستم است همانطور که سارتوری اظهار می‌دارد: در داخل این سیستم مدل ایدئولوژیکی با آنچه در سیاستهای یک قطبی وجود دارد تفاوت می‌کند. به این معنی که در زمینه سیاستهای دو قطبی تأکید بر روی «شور ایدئولوژیکی» است، اما در موضوع سیستم‌های جمعی تأکید بر قوه ذهنی و عقل‌گرایی است. در این حالت ایدئولوژی به عنوان انگیزه بالای درگیری در امور سیاسی معنی می‌دهد که از ریشه‌های عمیق فرهنگ (به معنای گسترده کلمه) سرچشمه گرفته است و نوعاً روی قوه ذهنی عقل‌گرایی انعکاس می‌یابد که با طرز تفکر تجربی و عملی مخالفت می‌کند.

بنابراین تحت این سیستم احزاب بیش از برخوردی که ناشی از طرز تفکر عملی است، هریک با دیگری با طرز تفکر ایدئولوژیکی (که از فرهنگ عقل‌گرایی سرچشمه گرفته است) می‌جنگند. از طرف دیگر در این مورد نمونه خاص ایدئولوژیکی تفاوت می‌کند. هر دو ممکن است به سردی گرایند، اما به هیچ عنوان نمونه خاص ایدئولوژیکی به طرز تفکر عملی انتقال نمی‌یابد. بر طبق نظر سارتوری عوامل ایجاد این نوع شکاف به شرح زیر

می‌باشند:

هنگامی که در یک جامعه چندین حزب به وجود می‌آیند به دو دلیل نیاز به منافع مسلمی در پرورش نوعی کانلیزه کردن ایدئولوژیکی دارند. اولین دلیل این است که، تحت این سیستم اغلب احزاب گروه‌های ذی‌نفع هستند که چنانچه پیروان آنها معتقدین به آنان نیز شوند بهتر می‌توانند به مبارزه ادامه دهند و به خاطر قانون تسری، احزاب بزرگتر نیز از همان‌گونه بازی می‌کنند (به آنها تأسی می‌کنند). دومین دلیل آن است که: اگر تعداد زیادی از احزاب تحت مشخصه خاص خود شناخته شوند، نمی‌توانند فقدان عملی آن مشخصه را تحمل کنند.

۷- هفتمین چهره چند حزبی قطبی شده، ظهور مخالفین غیر مسئول است که مبتنی بر چرخش حکومتی احزاب مستقر در مرکز است. زیرا حزب مرکز در معرض تناوب نیست و به‌طور نامحدودی حکومت می‌کند و مخالفین (احزاب افراطی) به وسیله محدودیت در تناوب از حکومت محروم شده‌اند. بنابراین در آینده ای نه چندان دور «ائتلاف متناوبی» می‌توان یافت که در آن بعضی احزاب تغییر تناوبی می‌کنند و دیگران همراهان خود را تغییر می‌دهند. بنابراین در موارد گرایش حکومتی احزاب و قابل وصول بودن اداره این سیستم با چند حزبی معتدل تفاوت می‌کند. یعنی اینکه در حالی که در چند حزبی معتدل تمام احزاب وابسته دارای جهت حکومتی هستند و ممکن است به حکومت دست یابند، در مورد چند حزبی قطبی شده به عوض نوعی برگشت محیطی منحصر به احزاب راست مرکز و چپ مرکز وجود دارد، اما این وضعیت نمی‌تواند به احزاب کوچک سرایت داده شود (بخصوص احزاب افراطی) و انتظار می‌رود آنها تا زمانی که سیستم برقرار است حکومت نکنند بنابراین تحت سیستم چند حزبی قطبی شده می‌توان چندین حزب نیمه مسئول و یا کاملاً غیرمسئول یافت (با توجه به انتظار و حساسیت آنها به در دست گرفتن حکومت) حال در سیاست‌های قطبی شده بازگشت متحدین احتمالی حزب حاکم مرکزی اغلب به وسیله محاسبات ائتلافی تحمیل می‌شوند، به علاوه احزاب چپ مرکز و راست مرکز محتملاً در یک مسئولیت حکومتی جانبی شرکت می‌کنند. نهایتاً عدم ثبات حکومت و ائتلافهای در حال انتقال این نظر را مبهم می‌سازد که: چه کسی برای چه مسئول است. بنابراین احزاب

نیمه مسئول آنهایی هستند که در محیط مرکز مستقر شده‌اند و مخالفین غیرمسئول، احزاب افراطی می‌باشند که با سیستم مخالفت می‌کنند.

۸- چهره قطعی چند حزبی قطبی شده سیاستهای روی دست رفتن یا بیش از حد امیدبخش بودن است که با آنچه سیاستهای رقابتی گفته می‌شود تفاوت دارد. سیاست‌های رقابتی را می‌توان با رقابت در اقتصاد مقایسه کرد که در آن بازار از کنترل انحصاری آزاد می‌شود و کالاها آن چیزی هستند که گفته شده است باید باشند، اما در سیاستهای رقابتی، روی دست رفتن یا بیش از حد امیدبخش بودن تمایل براین دارند که قانون بازی شوند. بنابراین سیاست رقابتی هم یک انتخاب واژه غیر ارضاء کنند و هم یک عدم درک حقایق است. عملاً بازی سیاسی در مفاهیم رقابت غیر عادلانه ای به موجب قاعده بیش از حد امید بخشی بودن و صعود پیوسته انجام شده است.

بنابراین به طور کلی همچنانکه سارتوری مشخص می‌کند خصوصیتی که سیاستهای چند حزبی قطبی شده را توصیف می‌کند، چندین قطبی، گریز از مرکز و سیاستهای غیرمعتدل یا افراطی است.

عاملی که هم سارتوری و هم دوروزه به عنوان عامل مساعد برای ایجاد سیستم چند حزبی قبول دارند فرمول نمایندگی نسبی است. اما سارتوری معتقد است که این سیستم قطعه قطعه شدن فرهنگ سیاسی را مجسم می‌کند و در کشورهایی که یک فرهنگ سیاسی عام یکنواخت وجود دارد فرمول نمایندگی نسبی به سوی چند حزبی معتدل هدایت شده است.

## نتیجه گیری

اختلاف بین گونه‌شناسی کلاسیک سیستم‌های حزبی با نظریه سارتوری براساس دو نگرش متفاوت به سیستم‌های حزبی است. به عنوان مثال، گونه‌شناسی دوروزه براساس توجه به تعداد احزاب و گرایشات دوگانه استوار است، در حالی که گونه‌بندی سارتوری مبتنی بر دو بُعد می‌باشد. به عبارت دیگر اختلاف بین طبقه‌بندی (مشخص نمودن طبقات) که توجه بیشتری به معیار عددی دارد (با عنایت به احزاب مربوط و نامربوط) و گونه‌شناسی



سیستم‌های حزبی (مشخص نمودن نوع) که دلالت بر فواصل ایدئولوژیکی دارد از طریق تعداد قطبها و ویژگی‌های شکاف بین قطبها.

بنابراین در موضوع طبقه‌بندی می‌توان یک حزبی، دو حزبی محدود و افراطی را مشخص نمود و در موضوع گونه‌بندی می‌توان «انواع» زیر را مشخص نمود: چند حزبی ساده، چند حزبی معتدل و چند حزبی افراطی از جمله (نوع) دو حزبی، حزب برتر، حزب مسلط و نوع یک حزبی. در قضیه عقیده یا دکترین مرکز سارتوری گفته دوورژه وارد می‌کند (فقدان دکترین یا عقیده مرکز و وجود حزب مرکز)، و معتقد به وجود دکترین یا عقیده مرکزی می‌باشد، اما در گونه‌بندی سیستم‌های حزبی منظور او از مرکز، موقعیت مرکزی است. به این صورت که در مسئله چند حزبی قطبی شده، ارتباط بین قطبها و مرکز، یک تضاد دو طرفه است و تضاد بین قطب‌ها می‌تواند بیشتر به شکل مثلثی تصور شود تا تضاد یک طرفه. بنابراین از یک طرف تحت این سیستم می‌توان مرکزی یافت که در آن سایر قطبها بیشتر با آن توافق می‌کنند تا با خودشان و از طرف دیگر مرکز نتیجه قطبی شدن نیست بلکه می‌توان به عنوان عامل ایجاد قطبی شدن تصور شود، در حالی که در نظریه دوورژه مرکز تنها حزب مرکز است که از اجتماع جناح راست چپ و جناح چپ راست به وجود آمده است.

در مسئله شمارش احزاب (مقوله عددی) سارتوری توجه بیشتری به خصوصیاتی همچون قدرت ائتلاف و قدرت تهدید (باج سبیل) احزاب معطوف می‌دارد تا شأن و مقام آنها (تعداد آراء و کرسی‌های به دست آمده بوسیله احزاب).

## منابع و مأخذ

### الف - منابع فارسی

- ۱ - مدیر شانه چی، محسن - احزاب سیاسی ایران - مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵
- ۲ - میشل، دوبرت - احزاب سیاسی با مقدمه سیمور مارتین لیپت ترجمه حسن پویان - انتشارات چاپخش - چاپ اول - زمستان ۱۳۶۸.

### ب - منابع خارجی

- 1) Duverger, mouice. "pol: tical parties". translatel by Barbara and Robert north, with foreward by D.w Brogan , 2nd rev 1959 New york Wiley 1963
- 2) Mosca Gaetano ."the roling class" Ed:ted and revised by Arthur livington, translated by Hannah D.kahn. Mc Graw Hill Book company 1939
- 3) Sartori, Giovanni . "European political parties , the case of polarized pluralism" from the Book of "political parties and political development" la palombara joseph 8 mayron weiner . New jersey. princeton Univer sity press 1966
- 4) Sartori Giovanni . "the typology of party system" . proposals for development ". in the book of "Mass politics" Ed:ted by: Erik, Aldardt & stein